

بررسی رویکردهای موجود نسبت به رابطه فقه و تمدن در جامعه معاصر (مطالعه موردی: رویکرد فقه به نقاشی و موسیقی)

چکیده

دربارهٔ رابطه فقه و تمدن دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است؛ گروهی بین فقه و تمدن هیچ‌گونه سازگاری و رابطه‌ای قائل نیستند؛ فقه را متکفل سعادت اخروی و تمدن را عهده‌دار معیشت و سعادت دنیوی می‌دانند. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. در مقابل اندیشمندان بسیاری معتقد به سازگاری فقه و تمدن هستند که البته با دو رویکرد مختلف؛ رویکردی معتقد به سازگاری منفعلانه فقه با تمدن هست؛ به‌صورتی که فقه همراه با تحولات اجتماعی اقتصادی و سیاسی، متحول می‌شود، ولی نه تحولی که زاییدهٔ گفتمان درونی فقه باشد، بلکه هرآنچه گفتمان مقابل تولید می‌کند فقه در مقابل آن سر تسلیم فرود می‌آورد و رویکردی دیگر معتقد به سازگاری فعال فقه با تمدن‌سازی هست؛ یعنی رابطه، رابطه‌ای طرفینی است، نه یک‌طرفه؛ همان‌گونه که تمدن می‌تواند متأثر از فقه باشد، فقه نیز از تمدن متأثر است و همگام با تمدن، پیشرفت می‌کند. در این دیدگاه فقه می‌تواند نظامات مختلف موردنیاز جامعه اسلامی را برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی ایجاد کند. در این پژوهش با تحلیل و نقد و ارزیابی رویکردهای مختلف، رویکرد مختار یعنی سازگاری فعال فقه و تمدن اثبات و روش‌های برون‌فقهی و درون‌فقهی برای رسیدن به فقه تمدن‌ساز مطرح می‌شود. در این میان، بررسی مواضع فقه نسبت به هنر موسیقی و نقاشی قابل‌تأمل است.

اهداف پژوهش:

۱. تحلیل و ارزیابی رویکردهای مربوط به نسبت رابطه فقه و تمدن.
۲. بررسی رویکرد فقه نسبت به موسیقی و نقاشی.

سؤالات پژوهش:

۱. رویکردهای مختلف موجود و مربوط به نسبت رابطه فقه و تمدن کدامند؟
۲. فقه چه رویکرد نسبت به هنر موسیقی و نقاشی دارد؟

کلیدواژه‌ها: فقه، تمدن، تمدن‌سازی، نظامات، دین.

مقدمه

نیاز جامعه اسلامی به پیشرفت و تکامل و تمدن‌سازی، تضاد الگوی‌های تمدنی غربی با مبانی اسلام، وجود شبهات و ابهاماتی در باب قلمرو دخالت فقه و دین در زندگی انسان و مطرح‌شدن برخی دیدگاه‌های سکولار و انحرافی در باب ناتوانی فقه در پرداختن به امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و به‌طور کلی امور تمدنی، اهمیت و ضرورت بحث از مسئله «فقه و تمدن» را دوچندان می‌کند. شاهد رویکردهایی هستیم که رابطه‌ای بین فقه و تمدن نمی‌بینند و نقش فقه در تمدن‌سازی را انکار کرده و یا جایگاه مهم و مؤثری برای فقه در نظامات مختلف تمدنی؛ فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و تربیتی، قائل نیستند. از سویی دیگر مواجه هستیم با پرسش‌هایی در باب ظرفیت و جایگاه فقه در تمدن جدید که آیا فقه، توانایی ارائه نظام‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی، تربیتی، و در کل، توانایی ایجاد و مدیریت یک «تمدن» را دارد یا خیر؟ فقه به‌عنوان قواعد استنباط احکام شرعی چه رابطه‌ای با تمدن‌سازی دارد؟ آیا فقه هم می‌تواند در تمدن‌سازی نقش‌آفرینی کند؟ با تمدن چگونه نسبتی دارد؟ و اگر نسبتی برقرار است به چه کیفیت و شیوه‌ای؟ (آکوچکیان، احمد، ۱۳۷۶: ۳۰)؛ بنابراین ضروری است که تعامل فقه و تمدن بررسی شود.

در رابطه با فقه و تمدن‌سازی پژوهش‌هایی صورت گرفته که می‌توان به کتاب «درآمدی بر اجتهاد تمدن‌ساز» از علیرضا اعرافی، مقاله «نقش فقه در تمدن‌سازی» سید جمال‌الدین میرمحمدی؛ مقاله «فقه و تمدن‌سازی (ولایت‌فقیه و مدینه انتظار)» از حسینعلی سعدی؛ مقاله «مناسبات فقه و تمدن» از عباسعلی مشکانی؛ مقاله «درآمدی بر سنجش ظرفیت‌های تمدن‌سازی فقه» از عباسعلی مشکانی و محسن الویری و «درآمدی بر نقش فقه عصر تشریح در بسترسازی تمدن» نوشته یونس غفاری‌پور اشاره کرد. این آثار بیشتر به مباحث کلی ارتباط بین فقه و تمدن، به‌ضرورت نگاه اجتماعی در استنباط احکام، آسیب‌شناسی فقه موجود و به برخی از ویژگی‌های فقه تمدنی پرداخته‌اند. اما در رابطه با تحلیل و بررسی و ارزیابی رویکردهای مختلف نسبت به رابطه فقه و تمدن تاکنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته است و فقط در ضمن برخی از همین پژوهش‌ها اشاره‌هایی به برخی رویکردها شده است. تنها یک پژوهش مرتبط با این موضوع است؛ مقاله «تحلیل و نقد رویکردهای رقیب و اشکالات وارده بر تئوری فقه نظام» نوشته مجتبی نورزاده کوهساره که تمرکز آن پاسخگویی به اشکالات وارده بر فقه نظام است و نسبت به نقد و ارزیابی رویکردها، ورود پیدا نکرده است.

در این پژوهش تلاش می‌کنیم همه رویکردهای موجود نسبت به رابطه فقه و تمدن را بررسی و آن‌ها را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهیم و در ادامه با ارائه نظریه مختار و اثبات رابطه فعال فقه و تمدن، به ارائه راهکار درون‌فقهی و برون‌فقهی خواهیم پرداخت. همچنین رویکرد فقه به هنر موسیقی و نقاشی بررسی می‌شود. از نوآوری‌های این پژوهش می‌توان به جامعیت در مطرح‌کردن رویکردهای مختلف و در تحلیل و ارزیابی این رویکردها و ارائه راهکار درون‌فقهی و برون‌فقهی برای رسیدن به فقه مطلوب تمدن‌ساز اشاره کرد.

نتیجه‌گیری

برقراری روابط مثبت و هماهنگی بین فقه و تمدن می‌تواند به توسعه و پیشرفت جوامع اسلامی کمک کند. در این سناریو، فقه به‌عنوان یک سیستم قانونی و اخلاقی، قابلیت تطابق با نیازها و واقعیات تمدن را داراست. این تطابق می‌تواند به تعامل جوامع اسلامی با جهان خارجی کمک کند و امکان‌پذیرش نوآوری‌ها و تحولات را در آن‌ها فراهم سازد. به‌عنوان مثال، در دیدگاهی که به سازگاری فعال فقه با تمدن اشاره دارد، فقه به‌عنوان یک سیاق فکری و اخلاقی

می‌تواند ابزاری برای تأسیس نظام‌های اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی پویا و شایسته در جوامع اسلامی باشد. این نگرش به جامعه اجازه می‌دهد تا از میراث فقهی خود به‌عنوان یک منبع اصیل و قوی برای ساختاردهی جوامع مدرن استفاده کند. به‌طور خلاصه، تحلیل روابط بین فقه و تمدن نشان می‌دهد که چگونه این دو مفهوم می‌توانند به یکدیگر تأثیر بگذارند. سازگاری فعال و دوسویه میان فقه و تمدن می‌تواند در راستای تداوم و به‌روزرسانی اصول دینی و تأسیس جوامعی پویا و پیشرفته در جهان اسلام کمک کند.

باید توجه داشت که این تعامل بین فقه و تمدن نیاز به فرایندی پویا دارد که از یک‌سو تحولات در تمدن را دربر گیرد و از سوی دیگر، اصول و ارزش‌های اسلامی را در مقابل این تحولات قرار دهد. این تعامل باید با دقت و احترام به میراث فقهی اسلامی انجام شود تا از تضادهای احتمالی جلوگیری شود. همچنین، در مفهوم سازگاری فعال، نقش افراد متعلق به حوزه فقه و دینی بسیار حیاتی است. این افراد باید توانایی تحلیل اثرات تحولات تمدنی را داشته باشند و به‌روزرسانی در ضوابط فقهی را براساس این تحولات انجام دهند. از این منظر، تعلیم‌وتربیت افراد در حوزه فقه نقش به‌سزایی در ایجاد یک تطابق مثبت با تمدن دارد. استفاده از اصول اخلاقی و انسانی‌تبی اسلام در کنار تمدن می‌تواند به ایجاد یک جوامع پویا و دینامیک کمک کند که هماهنگی بین فرهنگ‌ها و تمدن‌ها را ترویج دهد. در این سیاق، فقه به‌عنوان یک محور استانداردهای اخلاقی می‌تواند در پیشبرد اهداف توسعه و پیشرفت جامعه‌ها نقش مؤثری ایفا کند. در نهایت، تداوم گفت‌وگو و تفکر باز در موضوع رابطه فقه و تمدن می‌تواند به واضح‌تر شدن و درک این رابطه و پتانسیل تأثیرگذاری آن بر پیشرفت جوامع اسلامی کمک کند. اهمیت تعامل بین فقه و تمدن براساس یک دیدگاه متعادل و پویا برجسته می‌شود. تطابق میان اصول فقهی و نیازهای تمدن از یک‌سو، و حفظ هویت اسلامی و اصول دینی از سوی دیگر، نیازمند هوشمندی، انعطاف‌پذیری، و نگرش سازنده از سوی افراد متولی در حوزه فقه و دین است. نقش فقه در این فرایند بسیار حیاتی است. آن‌ها باید قدرت تحلیل تغییرات در تمدن را داشته باشند و به‌روزرسانی در ضوابط فقهی را با احترام به اصول دینی انجام دهند. توسعه ابزارهای تفسیر و استنباط در قالب فقه نیز می‌تواند در این فرایند کمک کند تا اصول دینی بتوانند با مسائل و چالش‌های معاصر هماهنگ شوند. برخورداری از یک دیدگاه دینامیک نسبت به فقه و تمدن می‌تواند به جوامع اسلامی کمک کند که در مسیر توسعه و پیشرفت قرار گیرند. این تفکر دینامیک ممکن است به جامعه اجازه دهد که در مواجهه با تحولات سریع تمدنی، اصول دینی را به چالش بکشد و آن‌ها را با چارچوب جدیدی تطابق دهد. در کل، ادامه تفکر و تحلیل موضوع رابطه فقه و تمدن نشان می‌دهد که این تعامل نه‌تنها امکانات تطابق با تحولات تمدنی را فراهم می‌کند بلکه می‌تواند به‌عنوان یک عامل مهم در تداوم و پیشرفت جوامع اسلامی عمل کند. ارتقای فهم عمیق و معاصر از اصول دینی، می‌تواند به جامعه اسلامی کمک کند که به چالش‌ها و فرصت‌های معاصر با نگاهی بازتر و هوشمندانه پاسخ دهد. تعلیم‌وتربیت افراد دینی و فقهی نقش مهمی در این روند دارد، زیرا آن‌ها با برخورداری از دانش فنی و علمی، می‌توانند به‌روزترین تحولات تمدن را با ارزش‌ها و اصول اسلامی تطابق دهند. به‌علاوه، فرهنگ انعطاف‌پذیری و تواصل با دنیای خارج از محدوده دینی نیز در این سیاق بسیار حیاتی است. ایجاد پلی بین جوامع اسلامی و جوامع دیگر با احترام به تفاوت‌ها و به اشتراک‌گذاری ارزش‌ها می‌تواند به ارتقای تعامل فرهنگی و اجتماعی کمک کند و فقه را به یک منبع اثرگذار در فرایند جهانی‌شدن تبدیل کند. در آخر، برخورداری از دیدگاهی که به‌روزترین نظریه‌ها و افکار دینی را با تحولات تمدنی هماهنگ کند، می‌تواند به جوامع اسلامی کمک کند تا در مسیر توسعه و پیشرفت پایدار قرار گیرند و به یک تمدن اسلامی نوین راه یابند. همچنین باید اذعان داشت که در دوره معاصر رویکرد فقه به موسیقی و نقاشی دارای انعطاف است.

برای تحکیم رابطه مثبت و سازنده بین فقه و تمدن در جوامع اسلامی، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- ترویج دیدگاه بازتر و انعطاف‌پذیر: افراد فقهی باید به دنیای معاصر با دیدگاه بازتری نگاه کنند و از انعطاف‌پذیری در تفسیر اصول دینی برخوردار باشند. این ایجاد تعامل فرهنگی و تفاهم میان دین و تمدن را تسهیل می‌کند.
- تحقیقات فقهی و علمی فعال: تحقیقات در زمینه فقه و علوم اجتماعی باید فعالیت شناخته شده باشند. این تحقیقات می‌توانند به تجسم اصول دینی در محیط‌های معاصر کمک کرده و به‌روزرسانی در زمینه فقه را فراهم آورند.
- توسعه آموزش فقهی: تحقیقات و دوره‌های آموزشی برای افراد فقهی و علاقه‌مندان باید متناسب با چالش‌ها و فرصت‌های معاصر باشد. افزایش دانش فقهی و علمی افراد می‌تواند به تحولات تمدنی پاسخ مناسبی دهد.
- ترویج فهم اصیل اسلامی: ترویج فهم صحیح از اصول دینی و اخلاق اسلامی، به جلوگیری از افترا به اسلام و ترسیم تصویر صحیح از این دین در جوامع بین‌المللی کمک می‌کند.
- تشویق به برگزاری مباحثات فرهنگی و مذهبی: تشویق به برگزاری گفت‌وگوهای فرهنگی و مذهبی میان افراد مختلف از جوامع مختلف، به ارتقای تفاهم متقابل و کاهش ابهامات میان ادیان و فرهنگ‌ها کمک می‌کند.
- توجه به نیازهای اجتماعی و اقتصادی: فقه باید به تدوین نظام‌ها و حل مسائل اقتصادی و اجتماعی معاصر پرداخته و در توسعه جوامع شرکت کند.
- تشویق به مشارکت زنان در تعیین سیاست‌ها و تصمیم‌گیری: ترویج مشارکت فعال زنان در امور اجتماعی و سیاسی با تأکید بر اصول دینی و اخلاق اسلامی می‌تواند به توازن و پیشرفت جامعه کمک کند.
- توسعه اخلاق اجتماعی: ترویج اخلاق اسلامی در جوامع به‌ویژه در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، می‌تواند به تقویت ارتباطات مثبت بین فقه و تمدن کمک کند.
- حمایت از هنر و فرهنگ: توسعه هنر و فرهنگ اسلامی به‌عنوان بخشی از تمدن، می‌تواند به افزایش تفاهم متقابل و تبادل فرهنگی بین اقوام و نهادهای مختلف منطقه کمک کند.
- ترویج اقتصاد اسلامی: توسعه سیاست‌ها و نظام‌های اقتصادی مبتنی بر اصول اقتصاد اسلامی، می‌تواند به تحقق توازن اجتماعی و اقتصادی در جوامع اسلامی کمک کرده و به توسعه‌ای پایدار منجر شود.
- آموزش اخلاق و تربیت فرهنگی: توسعه برنامه‌ها و فعالیت‌هایی در زمینه آموزش اخلاق و تربیت فرهنگی با تأکید بر ارزش‌های اسلامی می‌تواند به ایجاد فرهنگی سازنده و هماهنگ با تمدن کمک کند.
- ترویج حقوق بشر: تأکید بر ارتقای حقوق بشر و احترام به انسان‌ها براساس اصول اخلاقی اسلامی می‌تواند به تقویت تعامل مثبت با تمدن و جوانب مختلف جهان کمک کند.

منابع و مأخذ:

قرآن.

آدمیت، فریدون. (۱۳۴۹). اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده. تهران: خوارزمی.

- آذری، سمیرا. (۱۴۰۲). «بررسی هنر نقاشی و مجسمه‌سازی از منظر فقه امامیه». اولین همایش بین‌المللی افق‌های نوین در آموزش و پرورش در هزاره سوم.
- آکوچکیان، احمد. (۱۳۷۶). «احیای فکر دینی». کیهان اندیشه، شماره ۷۳.
- احمدوند، خلیل‌الله؛ حسینی، سادات. (۱۴۰۱). «مبانی فقه موسیقی در اسلام». فصلنامه حقوقی قانون‌یار، دوره ۷، ۲۴.
- الجابری، محمدعابد. (۱۳۷۶). «دانش فقه، بنیاد روش‌شناختی عقل عربی-اسلامی». ترجمه محمد مهدی خلجی، نقد و نظر، شماره ۱۲.
- اعرافی، علیرضا. (۱۳۹۵). درآمدی بر اجتهاد تمدن‌ساز. قم: نشر اشراق.
- امام خمینی. (۱۳۷۳). ولایت‌فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی.
- بازرگان، مهدی. (۱۳۷۷). آخرت و خدا. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- بازرگان، مهدی. (۱۳۷۴). «هدف بعثت انبیا». نشریه کیان، شماره ۲۸.
- بیرو، آلن. (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه: ساروخانی، تهران: کیهان.
- جمالی، مصطفی. (۱۳۸۷). جریان‌شناسی فقهی در مهندسی تمدن اسلامی. قم: فرهنگستان علوم اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۱). نسبت دین و دنیا، بررسی و نقد نظریه سکولاریسم. قم: مرکز اسراء.
- حائری یزدی، مهدی. (۱۹۹۵م). حکمت و حکومت، چاپ اول، لندن: بی‌نا.
- حقیقت، سیدصادق. (۱۳۹۶). همروی؛ فلسفه سیاسی و فقه سیاسی. تهران: هرمس.
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۷۴). سخنرانی در جمع علما و فضلاء حوزه علمیه در مدرسه دارالشفاء.
- خامنه‌ای، سید علی، بیانات رهبر انقلاب در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه ۱۴/۷/۱۳۷۹
- خامنه‌ای، سید علی، بیانات رهبر انقلاب در دیدار با پاسداران ۱۰/۱۲/۱۳۶۸
- خامنه‌ای، سید علی، بیانات رهبر انقلاب در دیدار کارگزاران نظام ۲۱/۹/۱۳۸۰
- خامنه‌ای، سید علی، سخنرانی در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۷/۲۳/۱۳۹۱
- خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۸۳). کلام جدید. چاپ سوم، قم: مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه.
- (۱۳۸۲). گستره شریعت. قم: دفتر نشر معارف.
- خمینی روح‌الله. (۱۳۸۶). صحیفه امام. ج ۳-۲۱، تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار حضرت امام.
- ربانی گلپایگانی، علی. (۱۳۷۷). دین و دولت. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی.
- رضایی، عبدالعلی. (۱۳۹۴). موانع و الزامات مهندسی تمدن اسلامی. چاپ دوم، قم: کتاب فردا.
- ساشادینا، عبدالعزیز. (۱۳۷۶). «عدل» و «امامت» مانع تفکیک دین از حکومت». نشریه نقد، شماره ۲ و ۳.

- سروش، عبدالکریم. (۱۳۷۴). «خدمات و حسنات دین». نشریه کیان، شماره ۲۷.
- سروش، عبدالکریم. (۱۳۷۸). «فقه در ترازو». ماهنامه کیان، شماره ۴۶.
- سعدی، حسینعلی و دیگران. (۱۳۹۸). عناصر انسان‌شناسی نظام‌سازی فقهی. فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره ۴۸.
- سروش، عبدالکریم. (۱۳۷۳). اندر باب اجتهاد (درباره کارآمدی فقه اسلامی در دنیای امروز. تهران: نشر طرح نور.
- (۱۳۷۹). قبض و بسط تئوریک شریعت. چاپ هفتم، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- (۱۳۷۷). بسط تجربه نبوی، مقالات «دین اقلی و اکثری» و «ذاتی و عرضی دین». تهران: صراط.
- (۱۳۸۷). مدارا و مدیریت. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- صدر، محمدباقر. (۱۳۴۱). اقتصاد ما. ج ۱، ترجمه: محمد کاظم موسوی، تهران: انتشارات جامعه مدرسین.
- عابدی‌نژاد داورانی، امین رضا. (۱۳۹۸). نامه‌ای به استاد فاضل لنکرانی به جهت نفی فقه نظام، ۱۳۹۸/۱۱/۲۵
- عدالت‌نژاد، سعید. (۱۳۸۴). اندر باب اجتهاد، کارآمدی فقه اسلامی در دنیای امروز. تهران: طرح نو.
- فناپی، ابوالقاسم. (۱۳۸۵). از «مدرنیته اسلامی» تا «اسلام مدرن». تهران: روزنامه شرق، شماره ۸۳۵.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۷۳). سرآغاز نواندیشی معاصر. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کدیور، محسن. (۱۳۸۷). حق الناس، اسلام و حقوق بشر. تهران: انتشارات کویر.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۶۷). فروع کافی. ج ۲، تهران: دارالکتب اسلامیه.
- مجتهد شبستری، محمد. (۱۳۷۶). ایمان و آزادی. تهران: انتشارات طرح نو.
- مرعشی، سیدجعفر. (۱۳۷۸). مدنیت تکاملی. تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
- مشکانی سبزواری، عباسعلی. (۱۳۹۰). «درآمدی بر فقه حکومتی». حکومت اسلامی، ش ۶۰.
- مشکانی سبزواری، عباسعلی. (۱۳۹۰). «درآمدی بر سنجش ظرفیت‌های تمدن‌سازی فقه». تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، شماره ۳.
- میرمحمدی، سید جمال‌الدین. (۱۳۹۹). «نقش فقه در تمدن‌سازی». نشریه: علم و تمدن در اسلام، شماره ۶.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۰). اسلام و مقتضیات زمان. چاپ اول، تهران: صدرا.
- میراحمدی، منصور. (۱۳۹۰). سکولاریسم اسلامی: نقدی بر دیدگاه روشنفکران مسلمان. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ناصری مقدم حسین. (۱۳۹۱). «سید یزدی فقیهی عرف‌نگر یا عرفی‌گرا». مجله فقه، شماره ۷۳.
- نصری، عبدالله. (۱۳۷۸). انتظار بشر از دین. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

نصیری، مهدی. (۱۳۹۸). عصر حیرت؛ جستاری کلامی پیرامون حکمرانی فقهی و تمدنی در عصر غیبت. تهران: مکتبه الصدوق.

نوروزی، محمدجواد. (۱۳۸۸). درآمدی بر نظام سیاسی اسلام. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.

هاشمی، علی. (۱۳۹۹). فقه و مدرنیته. قم: مکتب اندیشه

نوروززاده کوهساره، مجتبی و مسجد سرایی، حمید. (۱۳۹۷). «تحلیل و نقد رویکردهای رقیب و اشکالات وارده بر فقه نظام». فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۶۳.